

بررسی روند توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، آینده نگری، مشکلات و راهبردها

دکتر مجید یاسوری^۱

چکیده:

روند گذشته سکونت‌گزینی در ایران حکایت از عدم تعادل شدید بین مناطق مختلف کشور دارد. بر اساس نتایج سرشماری‌های گذشته توزیع جغرافیایی جمعیت در بین استان‌های مختلف و مناطق شهری و روستایی دچار تغییرات اساسی بوده است. در حالی که در سال ۱۳۳۵ بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور در نقاط روستایی سکونت داشتند، امروزه این رقم به حدود ۳۰ درصد تنزل یافته است. به علاوه حرکات جمعیتی نیز به سوی چند استان متمرکز شده و این روند باعث شکل‌گیری و توزیع نامتناسب جمعیت در پهنه سرزمین شده است. به نظر می‌رسد با توجه به روند رشد جمعیت تراکم نسبی از ۴۲ نفر در سال ۸۵ به ۵۴ نفر در سال ۱۴۰۴ و همچنین تراکم بیولوژیک در این مدت از ۴ نفر در هکتار به ۵ نفر افزایش خواهد یافت.

هرچند در توزیع جغرافیایی جمعیت ایران عوامل طبیعی به عنوان مهمترین عوامل ذکر می‌شود لکن عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز در این زمینه نقش مؤثر ایفا کرده‌اند. در دو دهه گذشته مهمترین عوامل مؤثر در توزیع جغرافیایی جمعیت سیاست‌گذاریها و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. وجود نابرابری‌های فضایی در زمینه برخورداری از امکانات اقتصادی، رفاهی و زیربنایی همواره یکی از مهمترین عوامل حرکات جمعیتی بوده است. در آینده نیز جمعیت کشور در ابعاد استانی، شهری و روستایی همچنان به سوی عدم تعادل شدید پیش می‌رود. در این صورت ناگزیر بسیاری از اعتبارات دولتی صرف ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات به جمعیت شهرهای بزرگ خواهد شد و مناطق دیگر از خدمات و سرمایه‌گذاری‌های لازم بازمانده و نابرابری‌های فضایی تشدید خواهد شد. این نابرابری‌ها باعث جابجایی نیروی کار و سرمایه می‌شود. بنابراین توزیع بهینه امکانات و خدمات در سطح سرزمین می‌تواند در توزیع متناسب جمعیت و کاهش نابرابری‌های فضایی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی:

جمعیت، توزیع جغرافیایی جمعیت، ویژگیهای راهبردی جمعیت، جمعیت شهری، جمعیت روستایی.

۱- دانشیار دانشگاه گیلان - دانشکده علوم انسانی - گروه جغرافیا

مقدمه

در خصوص میزان جمعیت و چگونگی رشد و توزیع آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند یکی از عوامل مهم کندی رشد و توسعه اقتصادی، رشد فزاینده جمعیت می‌باشد که باعث می‌گردد رونق اقتصادی زیر بار جمعیت درهم شکسته و یا کاهش یابد. (سلطانی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

از طرفی برخی از دانشمندان معتقدند که افزایش جمعیت باعث افزایش مصرف، تقاضا، عرضه و تولید می‌گردد. در واقع افزایش جمعیت عامل رشد و توسعه اقتصادی، عامل ایجاد ثروت، قدرت و نهایتاً بهروزی و اعتلای جامعه است. این افراد اعتقاد دارند توزیع بد جمعیت یا به عبارت دیگر چگونگی توزیع جمعیت است که بر رشد و توسعه جامعه اثرگذار می‌باشد. حال سوال اینجاست که با توجه به شرایط فعلی کشور و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی موجود، حد ننگه داشت جمعیت، میزان و نرخ رشد و روند توزیع جغرافیایی جمعیت به چه صورتی باید باشد. برای پاسخ به این سوال مقاله به بررسی روند توزیع جغرافیایی جمعیت و آینده نگری آن می‌پردازد. هرچند دستیابی به چگونگی توزیع جمعیت در کشور و روند تغییرات آن در آینده مستلزم بررسی تحولات جمعیت در زمان نسبتاً طولانی است. به همین جهت در بسیاری موارد به سرشماری‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ نیز اشاره می‌شود. از سال ۱۳۶۵ تا کنون تقسیمات جغرافیایی کشور تغییرات زیادی داشته و چندین استان و شهرستان جدید بر تعداد استان‌ها و شهرستان‌های موجود در سال ۱۳۶۵ افزوده شده است. با استفاده از تسهیلات نرم افزاری تمام اطلاعات و آمار موجود سرشماری‌های گذشته در قالب تقسیمات سیاسی جدید (۱۳۸۵) منطبق شده تا بتوان به تجزیه و تحلیل اطلاعات جدید و مقایسه آن با اطلاعات گذشته پرداخت. چون اطلاعات آماری سرشماری‌های مختلف در قالب تقسیمات بخش و دهستان و حتی آبادی موجود بوده در بهنگام کردن اطلاعات آماری در تقسیمات جدید مشکلات چندانی وجود نداشته است. هدف از تحقیق، بررسی چگونگی توزیع جمعیت، پی بردن به نحوه پراکنندگی جمعیت در استان‌ها، نقاط شهری و نقاط روستایی همراه با آینده نگری در افق ۱۴۰۴ ه.ش (افق سند چشم‌انداز) است. امید است سیاستگذاران ملی و منطقه ای به منظور توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و تناسب معقول جمعیت شهری و روستایی که عامل مهم در نحوه توزیع امکانات و خدمات و میزان برخورداری‌ها و در نهایت تأمین عدالت اجتماعی است، همت گمارند.

طرح مسئله

در توزیع جغرافیایی جمعیت عوامل متعددی تأثیر می گذارند که از جمله آنها می توان عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... را نام برد. عوامل طبیعی نظیر پستی و بلندی ها (توپوگرافی)، میزان بارندگی، خاک مناسب و دسترسی به منابع آب، در شکل گیری فعالیت های اقتصادی مؤثرند. مطالعات تطبیقی که در مکانهای مختلف جغرافیایی صورت گرفته ثابت می کند که در توزیع و تراکم جمعیت تنها یک عامل مؤثر نیست بلکه همواره مجموعه ای از عوامل در یک ارتباط تنگاتنگ تأثیر می گذارند. چرا که دو نقطه با شرایط یکسان بایستی دارای توزیع و تراکم تقریباً یکسان باشند، لیکن مشاهده می شود که چنین امری ممکن است اتفاق نیافتد. نحوه بهره وری، سازمانهای تولیدی، الگوی سکونت، نوع مسکن و ... که از عوامل اقتصادی بشمار می آیند و همچنین عوامل اجتماعی نظیر مذهب، اعتقادات و نژاد در نحوه توزیع و پراکندگی جمعیت مؤثرند.

امروزه سیاستهای دولتی بعنوان مهمترین عامل در توزیع و تراکم جمعیت در جهان مطرح است. سیاستهای اقتصادی هر کشور بسته به سیاستهای ملی که به اقتصاد سیاسی معروف است در جهت گیری اعتبارات عمرانی و زیربنائی، تعیین الگوی برنامه ریزی، تمرکز یا عدم تمرکز و سرمایه گذاریهای دولتی نقش تعیین کننده ای دارد. در کشورهایی که بدنبال الگوی برنامه ریزی متمرکز بوده اند و یا اقتصاد سرمایه داری حاکمیت داشته باعث شکل گیری قطبهای رشد و تمرکز شدید جمعیت در یک یا چند نقطه از کشور شده است. در الگوهای غیرمتمرکز نظیر شیوه حکومتی سوسیالیستی که بدنبال عدم تمرکز بوده اند، توزیع جمعیت متعادل تر است. تأثیر عوامل سیاسی و ایدئولوژیکی در نحوه توزیع جمعیت در جهان امروزه کمتر از تأثیر عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی نیست. از نظر پراکندگی جمعیت در بین مناطق مختلف جهان با توجه به شرایط طبیعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تفاوتهای بارزی وجود داشته و عوامل مذکور نحوه توزیع جمعیت را در سطوح کره زمین دستخوش تغییر و تحول ساخته است (جوان، ۱۳۸۰: ۳۱)

در مواردی توزیع جغرافیایی جمعیت گویای شرایط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است. با نگاهی به نقشه پراکندگی جمعیت ایران می توان به مسائل طبیعی کشور پی برد. پراکندگی شدید جمعیت در نواحی مرکزی و جنوب شرقی خود حکایت از شرایط سخت طبیعی دارد. برای پی بردن به علل

پراکندگی و نحوه توزیع جمعیت در ایران بایستی عوامل اقتصادی، اجتماعی، قومی و سیاستهای دولتی مورد بررسی قرار گیرد. سیاستهای دولت مشخصاً در چگونگی تخصیص اعتبارات ملی و تقویت نقش مناطق در جمعیت پذیری یا جمعیت گریزی مناطق نقش اساسی دارد. همچنین چگونگی سیاستگذاریهای فرهنگی، اقتصادی، حاکمیت قانون و امنیت اجتماعی شهروندان در مناطق تأثیرگذار است. اگر در جوامعی امنیت اجتماعی مناسب نباشد و یا حاکمیت قانون کم رنگ باشد معمولاً افراد سعی می کنند تعداد اولاد بیشتری داشته باشند. جایی که تمهیدات تأمینی و امنیت اجتماعی پایین است، سرمایه گذاری روی کودکان، نوعی ضمانت برای تحت مراقبت قرار گرفتن در سنین پیری و ناتوانی است (همان، ۴۲). بنابراین می توان گفت پراکندگی قومیت ها و نابرابری در برخورداری از امکانات و خدمات و حمایت دولت مرکزی در تعداد فرزند نیز اثر دارد. قبیله گرایی و تعصبات قبیله ای و نیاز به حمایت از سوی افراد قبیله در تشویق به داشتن فرزند بیشتر و تقویت قبیله مورد نظر نیز مؤثر است.

علاوه بر میزان و رشد جمعیت، چگونگی توزیع جغرافیایی جمعیت نیز امری مهم بوده و ضرورت دارد در تدوین برنامه های ملی و سیاستهای کلان به این امر توجه کافی به عمل آید. بدیهی است میزان جمعیت هر سرزمین در مرحله اول باید در رابطه با خصوصیات و ویژگیهای جغرافیایی و توانائیهای بالقوه طبیعی هر یک از نواحی آن تعیین شود. واقعیت سرزمین ایران بیانگر شرایط جغرافیایی نامناسب است. واقع شدن در کمربند خشک و نیمه خشک عامل محیطی محدودکننده جدی تلقی می گردد. قسمت عمده این سرزمین را مناطق خشک و نیمه خشک و بیابانی تشکیل می دهد. پایین بودن میزان بارندگی، بالا بودن میزان درجه حرارت و در نتیجه بالا بودن میزان تبخیر و تعرق شرایط سختی را برای فعالیتهای مختلف از جمله فعالیت کشاورزی فراهم ساخته است. تنها در مناطق محدودی از کشور در قسمتهای شمال و شمال غرب کشور شرایط اقلیمی برای فعالیت و زیست مناسب بوده و بخشهای وسیعی از نواحی داخلی ایران توان جذب و نگهداشت جمعیت را ندارد. از طرف دیگر مجموعه شرایط جغرافیایی و عوامل سیاسی و اقتصادی منجر به توزیع نامناسب جمعیت در عرصه سرزمین شده و گاه منجر به فشار بیش از حد و توان نگهداشت جمعیت را باعث شده است. بنابراین توزیع نامتوازن جمعیت باعث شده تا در برخی از نواحی ایران تراکم شدید نسبی و بیولوژیک باعث فشار به منابع پایه توسعه - آب و خاک - شده و

علاوه بر تخریب و آلودگی این منابع منجر به مهاجرفرستی و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی دیگر شده است. در واقع ثمره بروز تراکم جمعیت در یکسری مناطق، حرکتهای مهاجرتی، تشدید روند شهرگرایی و شهرنشینی و حاشیه نشینی و فشار بیش از حد به منابع پایه در برخی مناطق است. مشخصه های اساسی جمعیتی کشور که در سند چشم انداز آمده شامل موارد زیر است:

- توزیع نامتعادل جمعیت، تمرکز و ساختار قطبی جمعیت
- عدم تعادل بین جوامع شهری و روستایی.
- مهاجرت متداوم بخشی از نیروهای متخصص و کاسته شدن از تواناییهای علمی کشور
- وجود نزدیک به ۲/۵ میلیون نفر بیکار و ساختار نامتعادل بازار کار^۱

این موارد ما را بر آن می دارد تا درخصوص چگونگی توزیع جغرافیایی جمعیت و مسائل و مشکلات آن بیشتر بررسی نموده و راهکارهای لازم ارائه دهیم.

نحوه توزیع جغرافیایی جمعیت در ایران

آنچه مسلم است اینکه توزیع جمعیت در ایران بسیار ناهمگون است. به دیگر سخن جمعیت کشور به صورت متعادل و متناسب توزیع نشده است. در قسمتهای شمالی (سواحل دریای خزر) و تا حدودی شمال غربی (آذربایجان و نیمه شمالی زاگرس) جمعیت بسیار متراکمی استقرار یافته است (سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۷۷، ۱۱) از طرف دیگر در قسمتهای شرقی و جنوب شرقی و قسمتهای وسیعی از نواحی مرکزی جمعیت بسیار پراکنده است. در نواحی پایکوهی تقریباً جمعیت متعادلی استقرار دارد. پس می توان در یک دسته بندی کل کشور را به سه ناحیه متراکم، ناحیه با تراکم متوسط و ناحیه پراکنده با تراکم بسیار کم تقسیم کرد. قسمت وسیعی از مساحت کشور در ناحیه سوم قرار دارد. طبق اطلاعات سال ۱۳۶۵ حدود ۲۵ درصد از کل جمعیت کشور در هفت نقطه شهری، تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، کرمانشاه و کرج متمرکز شده و بقیه جمعیت نیز در ۴۹۰ نقطه شهری و بیش از ۶۵ هزار آبادی که غالباً کوچک و کم جمعیت هستند، استقرار داشته اند. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ۲۸) بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، هفت نقطه شهری فوق الذکر با ۱۶/۵ میلیون نفر حدود ۲۴ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند. لذا مشاهده

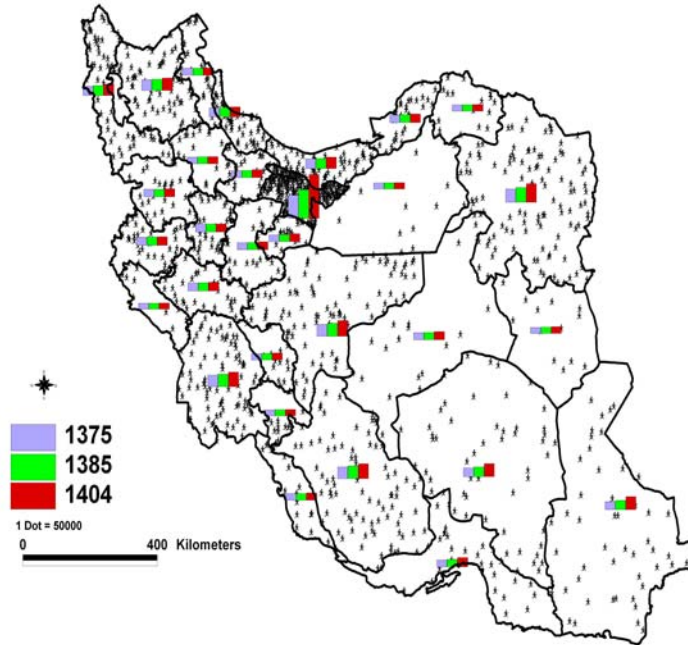
1. <http://www.mpo-ir.ir/>

می شود جمعیت بصورت نامتعادل و نامطلوب توزیع شده که شاید شرایط طبیعی اعم از توپوگرافی، آب و هوا، خاک و همچنین شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجب این امر بوده است. تأثیر عوامل فوق الذکر باعث شکل گیری دو ناحیه کاملاً متفاوت از نظر توزیع جمعیت شده است.

اول نواحی پست و کم باران داخلی و ساحلی که عمدتاً دارای جمعیت کم، روستاهای کوچک و پراکنده و دوم نواحی پر باران مرتفع با دشتهای رسوبی حاصلخیز و امکانات مناسب آب و هوایی، نواحی پایکوهی البرز و زاگرس با جمعیت زیاد، متراکم و روستاهای متمرکز و پر جمعیت تر است. (جوان ، ۱۳۸۰ : ۶۹)

در بسیاری از کشورهای جهان از جمله چین نقشه پراکندگی جمعیت از پراکندگی اراضی قابل کشت و نقشه پراکندگی ناهمواریها پیروی می کند. (پیر ژرژ ، ۱۳۷۱ ، ۳۰) در حالیکه در ایران نقشه پراکندگی جمعیت چندان انطباقی با نقشه اراضی قابل کشت ندارد. توزیع نامتعادل جمعیت و روند توسعه آن در صورت عدم سیاستگذاری جمعیت باعث از بین رفتن بیشتر زمینهای کشاورزی شده و بعلاوه هزینه های زیربنایی بسیار بالایی را بدنبال داشته است. زمینهای حاصلخیز اطراف شهرهای بزرگ هر ساله بمنظور استفاده های مسکونی و اشتغالهای صنعتی و سایر کاربریهای مربوط به اشتغال اختصاص می یابد (روزنامه اطلاعات، دوم مرداد ۱۳۶۹). حجم عظیمی از منابع آب که با سرمایه گذاریهای کلان ذخیره می شود به مصرف شرب ساکنین شهرهای بزرگ می رسد، در حالیکه می توان با استفاده از آنها هزاران هکتار زمین حاصلخیز را زیر کشت برد. نمونه بسیار بارز آن انتقال آب از سد دوستی از فاصله ۱۹۰ کیلومتری به شهر مشهد است. بعلاوه عدم تعادلهای ملی جمعیت مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی را نیز بدنبال دارد که از حوصله این بحث خارج است.

نقشه شماره (۱) نحوه توزیع جمعیت در کشور و روند آن به تفکیک سالهای مختلف



الف) توزیع استانی جمعیت

در سال ۱۳۶۵ شش استان پرجمعیت یعنی تهران، خراسان، اصفهان، فارس، مازندران و خوزستان ۴۸/۴ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده بودند و شش استان کم جمعیت دیگر یعنی استانهای ایلام، بوشهر، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان و چهارمحال بختیاری حدود ۶ درصد جمعیت را دارا بوده اند. در سال ۱۳۷۵ شش استان پرجمعیت فوق الذکر ۵۴ درصد جمعیت و شش استان کم جمعیت حدود ۶/۲ درصد از کل جمعیت کشور را در خود جای داده بودند. در فاصله سالهای بین ۶۵ تا ۷۵ استانهای کم جمعیت تغییر چندانی حاصل نکرده و تقریباً سهم خود را از کل جمعیت حفظ کرده اند، در حالیکه سهم استانهای پرجمعیت از جمعیت کشور بیش از ۵/۵ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر توزیع جمعیت کشور در دهه ۷۵ - ۶۵ به سوی عدم تعادل پیش رفته است. اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می دهد که عدم تعادلهای سرزمینی در

خصوصاً میزان جمعیت تشدید شده است. بنحوی که در سال ۱۳۸۵ استانیهای تهران، خراسان، اصفهان، فارس، مازندران و خوزستان علی رغم تقسیم استانیهای خراسان و مازندران حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند و سهم استانیهای کم جمعیت (۶ استان) حدود ۵/۵ درصد از کل کشور بوده است.

در سال ۱۳۷۵ تراکم نسبی جمعیت کشور، ۳۶ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است این رقم در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان پایین است. در داخل کشور و بین استانیهای مختلف تراکم نسبی کاملاً ناهمگون است. استان تهران به واسطه وجود کلان شهر تهران تراکم نسبی بیش از ۳۸۰ نفر در هر کیلومتر مربع است. استان گیلان با تراکم نسبی بیش از ۱۵۰ نفر در کیلومتر مربع در رده دوم و از لحاظ تراکم بیولوژیک در مقام اول قرار دارد. استانیهای همدان، مازندران و کرمانشاه هر کدام با بیش از ۷۰ نفر در کیلومتر مربع در رده های بعدی قرار گرفته اند. در گروه استانیهای با تراکم کم می توان به استانیهای کرمان، سمنان، یزد، هرمزگان و سیستان و بلوچستان اشاره کرد. این استانها دارای تراکم نسبی کمتر از ۱۵ نفر در هر کیلومتر مربع می باشند.

یکی از عواملی که در توزیع نامتناسب جمعیت استانی کشور مؤثر بوده، روند مهاجرت است. موازنه مهاجرتی نشان می دهد که ۱۴ استان کشور دارای موازنه منفی بوده و ۱۲ استان نیز مهاجرپذیر بوده اند. استانیهای تهران، خوزستان و اصفهان دارای بیشترین درصد مهاجرت پذیری و استانیهای آذربایجان شرقی، لرستان، همدان و کرمان، بیشترین درصد مهاجر فرستی را به خود اختصاص داده اند. توزیع استانی جمعیت در سال ۱۳۸۵ نشان می دهد که ۱۹ درصد از جمعیت کل کشور در استان تهران سکونت دارند. سهم بالای جمعیت تهران ناشی از وجود منطقه شهری تهران و فعالیتهای متنوع صنعتی، خدماتی و حتی کشاورزی مستقر در این منطقه است. بررسی نقشه مهاجرتی داخلی کشور نشان می دهد که وجود مشاغل صنعتی و خدماتی عامل اصلی در تعیین جهت مهاجرتها بوده اند. توزیع نامتعادل فعالیتهای، در سطح سرزمین، بعضاً ناشی از عدم تعادل قابلیتهای طبیعی و بعضاً بدلیل سیاستهای اداری دولتها در گذشته بوده است (سازمان برنامه و

ب) توزیع جمعیت در نقاط شهری

شهرنشینی در ایران دارای سابقه طولانی است. بر اساس مستندات آماری (سرشماری ۱۳۳۵) نقاطی که دارای ۵ هزار نفر جمعیت و بیشتر بوده شهر نامیده می شوند. هرچند جمعیت به تنهایی معیار درستی برای تشخیص شهر از روستا نیست. گاهی ممکن است با اضافه شدن چند نفر یک نقطه روستایی به شهر تبدیل شود. در حالیکه در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن هیچ تغییری ایجاد نشود. بنابراین نوع فعالیت اقتصادی شیوه زندگی و چهره طبیعی، وجود نهادهای اجتماعی و عوامل دیگر نیز در تمایز شهر از روستا باید مد نظر قرار گیرد، در غیر این صورت برنامه ریزی مسائل شهری با اطمینان همراه نخواهد بود. در ایران شهرنشینی از دهه ۱۳۳۰ به بعد که همگام با تحولات جهانی، ورود ایران به نظام سرمایه داری و اصلاحات ارضی و افزایش درآمد ملی ناشی از فروش نفت بوده، رشد شتابان حاصل کرد. ضمناً حاشیه نشینی نیز شکل گرفته و ناملایمات اجتماعی و اقتصادی دیگر در چهره شهرها نمایان شد. روستاها از نیروی فعال خالی شده و روند توسعه شهری با ادغام اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و سرازیر شدن پول نفت به سود شهرهای بزرگ و متوسط تغییر یافت. یکی از مهمترین نتایج منفی آن نامتعادل شدن توزیع جمعیت شهری بوده است. در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهرنشین حدود ۳۱/۴ درصد از کل جمعیت بوده است. این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۴۷/۱، در سال ۶۵ به ۵۴/۴ در سال ۱۳۷۵ به حدود ۶۱ درصد و بالاخره در سال ۱۳۸۵ به ۷۲ درصد رسید. به عبارتی در طی ۵۰ سال نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت بیش از دو برابر افزایش یافت. بر اساس برآوردهای جمعیتی و روند شهرنشینی کشور در سال ۱۴۰۴ بیش از ۷۵ درصد جمعیت کشور شهرنشین خواهند بود. در سال ۱۳۳۹ تنها ۱۹۹ نقطه شهری وجود داشته که امروزه به بیش از ۱۰۰۰ نقطه شهری افزایش یافته است. اگر بر مبنای دو دهه گذشته بخواهیم تصویری از آینده ارائه دهیم، می توان گفت در سال ۱۴۰۴ یعنی سال افق چشم انداز حدود ۱۵۰۰ نقطه شهری خواهیم داشت. جمعیت شهرنشین کشور با آهنگ رشدی به میزان بیش از ۲ درصد در سال به حدود ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۴۰۴ خواهد رسید. در حالیکه در همین مدت مناطق روستایی به دلایلی همچون؛ مهاجرت، تبدیل برخی از نقاط روستایی پرجمعیت به شهر و یا ادغام و استحاله شدن در توسعه کالبدی شهرهای فعلی، یا از دست دادن تعدادی از جمعیت خود با نرخ رشد منفی مواجه است. نتیجه قهری این عمل گسترش حاشیه نشینی و توسعه کالبدی و افقی سریعتر کلان

شهرها و شهرهای پیرامونی است که به دنبال خود هزینه های اجتماعی و امنیتی زیادتری را به منابع بودجه ای کشور تحمیل خواهد کرد. (سازمان مدیریت، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

در حال حاضر حدود ۲۵۰ روستای بالای ۵۰۰۰ نفر جمعیت در کشور وجود دارد که با توجه به نرخ رشد بالای جمعیتی اینگونه روستاها در آینده نزدیک عمدتاً تبدیل به نقطه شهری خواهند شد. بعلاوه روند خدمات رسانی و اجرای طرحهای بهسازی، هادی، تجمیع و ساماندهی روستاهای پراکنده باعث تسریع در روند شهرنشینی خواهد شد. چرا که اجرای اینگونه طرحها که عمدتاً در روستاهای پرجمعیت صورت می گیرد شهرگرایی را تشویق می کند. در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۲ درصد از شهرهای کشور بالای ۵۰ هزار نفر بوده اند. این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۱۷/۵ درصد و در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۱۹/۴ درصد و در سال ۱۳۸۵ به حدود ۲۲ درصد رسید. همانطوری که جمعیت و توزیع آن در دو دهه گذشته دچار تحولاتی بوده جمعیت شهری نیز تحت تأثیر سیاستگذارهای جمعیتی و سرمایه گذاریهایی که در مناطق مختلف صورت گرفت تحولات بنیادی داشته است. در یک دسته بندی کلی می توان گفت دسته ای از استانهای کشور دارای نرخ رشد جمعیت شهری بیشتر از نرخ رشد شهری متوسط کشور بوده اند. این استانها شامل؛ تهران، بوشهر، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، مرکزی، هرمزگان و یزد و برخی دیگر نظیر لرستان، کرمانشاه و آذربایجان شرقی دارای نرخ رشد شهری کمتر بوده اند.

ج) توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی

طبق سرشماری سال ۱۳۳۵ حدود ۶۸ درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی سکونت داشتند. این رقم در سرشماری ۱۳۸۵ به ۳۲ درصد کاهش یافته است. در سال ۱۳۳۵ بیش از ۸۰ درصد جمعیت ۱۳ استان کشور روستایی بودند. در سال ۱۳۶۵ درصد روستائینی به حدود ۴۶ درصد رسید و در این سال فقط ۵ استان کشور دارای جمعیت روستایی بیش از ۷۰ درصد بودند. در سال ۸۵ هیچ استانی در کشور وجود نداشت که جمعیت روستایی آن به بیش از ۷۰ درصد برسد. در این سال حدود ۹ استان کشور جمعیت روستایی بالای ۵۰ درصد داشته اند. در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ حدود ۱۲ استان کشور از رده استانهای روستائین خارج شده و اکثریت جمعیت آنها شهری شده است. بر اساس توزیع نسبی جمعیت روستایی در استانهای کشور در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۱ درصد جمعیت روستایی کشور در استان خراسان، ۹ درصد در استان مازندران و ۸ درصد در استان

آذربایجان شرقی سکونت داشته اند. کمترین درصد جمعیت روستایی در استانهای قم، یزد و سمنان مستقر بوده است.

در سال ۱۳۷۵ توزیع نسبی جمعیت روستایی کشور تحول چندانی نداشت. سهم استان خراسان در این سال ۱۲ درصد جمعیت روستایی کشور بود. در واقع این استان توانست سهم خود از جمعیت روستایی کشور را بهبود ببخشد، در این سال استانهای تهران، اصفهان، فارس درصد قابل ملاحظه ای بر سهم جمعیت روستایی خود افزوده و استانهای کردستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و غربی و گیلان موقعیت خود را از جمعیت روستایی کشور از دست دادند. در سال ۱۳۸۵ توزیع نسبی جمعیت روستایی کشور دچار تحولاتی بوده است. استانهای نظیر کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان دارای نرخ رشد مثبت جمعیت روستایی بوده و بر سهم خود از جمعیت روستایی کل کشور افزوده اند. برخی دیگر از استانها دارای نرخ رشد منفی بوده و سهم خود از جمعیت روستایی کشور را از دست داده اند. این قبیل استانها شامل اصفهان، تهران، مرکزی و ... بوده است. هر چند جمعیت روستایی کشور در دهه های گذشته در حال کاهش بوده اما وضعیت توزیع جمعیت و منابع بخصوص منابع آب و خاک باعث گردیده است تا تراکم بیولوژیک به شدت افزایش یابد. بعلاوه به علت تقسیم زمین بهره برداریهای خرد همواره در حال افزایش بوده است. اطلاعات نشان می دهد که در طی ۳۰ سال گذشته روند بهره برداریهای کوچک اراضی از حدود ۴۰ درصد به حدود ۴۶ درصد افزایش یافته است. (از کیا، ۱۳۸۳، ۸۵) این مساله در بین استانهای مختلف با شدت و ضعف هایی مواجه است که در آینده بهره وری این منابع پایه را تضعیف خواهد کرد.

آینده نگری جمعیت کشور

با توجه به موقعیت جغرافیایی و طبیعی می توان گفت که توزیع جمعیت منطبق بر قابلیت های طبیعی بوده است و استانهای متراکم از وضعیت طبیعی مساعدتری برخوردارند. در اغلب استانهایی که تراکم جمعیت کم است شرایط اقلیمی و موقعیت طبیعی نیز نامساعد است. هر چند سیاست دولت در جهت تثبیت و تعادل جمعیت در مناطق مختلف بوده اما عوامل متعدد طبیعی، اقتصادی و سیاسی باعث جذب جمعیت در برخی نقاط شده است. به علت غلبه فعالیت بخش اول و بالا بودن تراکم بیولوژیک، مهاجرت یکی از مهمترین ویژگیهای استانهای با مشخصه فوق به حساب می آید، که موجبات عدم تعادل جمعیت و بهم ریختگی ساختار جمعیتی در مناطق مختلف را

فراهم می‌سازد. مهاجرت‌هایی که ریشه در عدم توزیع متناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های ملی در بهره‌برداری از منابع طبیعی دارد (جوان، ۱۳۸۰، ۳۶۱)

آینده‌نگری توزیع جمعیت در استانهای کشور بر اساس روند گذشته جمعیت‌پذیری مناطق حکایت از شدت عدم تعادل در مناطق مختلف کشور را دارد. هرچند عوامل طبیعی و جغرافیایی نقش زیادی در پراکندگی جمعیت در کشور داشته، ولی وجود نابرابریهای فضایی در کشور از مهمترین دلایل به حساب می‌آید. نابرابری در فرصتهای دسترسی به انواع زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجبات جابجایی نیروی کار و سرمایه را فراهم نموده و حرکات جمعیتی داخل کشور را شکل داده است.

اگر از نابرابری و عدم تعادل جمعیتی در بین مناطق کشور بگذریم نابرابری جمعیتی بین نقاط شهری و روستایی دارای ابعاد گسترده تری است، مگر در مواردی که قابلیت‌های طبیعی جهت جذب جمعیت در فعالیتهای کشاورزی مناسب است. بعنوان مثال در استانهای با قابلیت کشاورزی بالا جمعیت روستایی بیشتر است.

میزان و خصوصیات زمینهای مطلوب کشاورزی و سایر منابع طبیعی در جهت جذب نیروی کار و گسترش فعالیتهای بخش اول اقتصادی در اغلب کشورهای جهان نیز مؤثر بوده است. در زمینه جمعیت شهری بر اساس نرخ رشد دهه (۸۵-۶۵) جمعیت شهری استانهای کشور در افق ۱۴۰۴ به حدود ۷۵ میلیون نفر خواهد رسید. سهم جمعیت شهری استان تهران ۲۷ درصد از کل کشور یعنی حدود ۲۰ میلیون نفر است. استانهای خراسان رضوی با حدود ۷ میلیون نفر (۸ درصد) اصفهان با ۶ میلیون نفر (۷٫۵ درصد) و خوزستان با ۴ میلیون نفر (حدود ۵ درصد) از جمعیت شهری کشور در رده های دوم تا چهارم قرار دارند. در مجموع چهار استان مزبور (تهران، خراسان، اصفهان، خوزستان) حدود ۴۷ درصد از جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص خواهند داد و استانهای بوشهر، سمنان، چهارمحال و بختیاری و ایلام با ۴ درصد کمترین درصد جمعیت شهری را دارا خواهند بود.

جدول (۱) توزیع جمعیت در سالهای مختلف و نسبت آن به تفکیک استانهای کشور

استانها	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۵	نرخ رشد ۷۵-۸۵	جمعیت ۱۴۰۴	نسبت ۱۳۷۵	نسبت ۱۳۸۵	نسبت ۱۴۰۴
کل کشور	۶۰۰۵۵۴۸۸	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱٫۶۲	۹۵۸۲۷۱۵۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۳۲۲۵۵۴۰	۳۶۰۳۴۵۶	۰٫۸۱	۴۱۹۹۶۶۰	۵٫۵	۵٫۱	۴٫۴
آذربایجان غربی	۲۴۹۶۳۲۰	۲۸۷۳۴۵۹	۱٫۴۲	۳۷۶۱۱۸۴	۴٫۲	۴٫۱	۳٫۹
اردبیل	۱۱۶۸۰۱۱	۱۲۲۸۱۵۵	۰٫۵۰	۱۳۵۱۴۱۷	۱٫۹	۱٫۷	۱٫۴
اصفهان	۳۹۲۳۲۵۵	۴۵۵۹۲۵۶	۱٫۵۱	۶۰۷۸۵۵۱	۶٫۵	۶٫۵	۶٫۳
ایلام	۴۸۷۸۸۶	۵۴۵۷۸۷	۱٫۱۳	۶۷۶۲۱۲٫۵	۰٫۸	۰٫۸	۰٫۷
بوشهر	۷۴۴۶۷۵	۸۸۶۲۶۷	۱٫۷۷	۱۲۴۰۴۷۰	۱٫۲	۱٫۳	۱٫۳
تهران	۱۰۳۴۳۹۶۵	۱۳۴۲۲۳۶۶	۲٫۶۴	۲۲۱۶۲۷۴۹	۱۷٫۲	۱۹٫۰	۲۳٫۱
چهارمحال و بختیاری	۷۶۱۱۶۸	۸۵۷۹۱۰	۱٫۲۰	۱۰۷۸۳۵۳	۱٫۳	۱٫۲	۱٫۱
خراسان جنوبی	۵۳۵۵۶۷	۶۳۶۴۲۰	۱٫۷۴	۸۸۵۸۲۱٫۲	۰٫۹	۰٫۹	۰٫۹
خراسان رضوی	۴۷۱۹۹۰۲	۵۵۹۳۰۷۹	۱٫۷۱	۷۷۴۳۰۲۴	۷٫۹	۷٫۹	۸٫۱
خراسان شمالی	۷۳۲۵۶۰	۸۱۱۵۷۲	۱٫۰۳	۹۸۶۹۱۷٫۲	۱٫۲	۱٫۲	۱٫۰
خوزستان	۳۷۴۶۷۷۲	۴۲۷۴۹۷۹	۱٫۳۳	۵۵۰۱۴۴۳	۶٫۲	۶٫۱	۵٫۷
زنجان	۹۰۰۸۹۰	۹۶۴۶۰۱	۰٫۶۹	۱۰۹۸۸۱۶	۱٫۵	۱٫۴	۱٫۱
سمنان	۵۰۱۴۴۷	۵۸۹۷۴۲	۱٫۶۴	۸۰۴۶۰۶٫۶	۰٫۸	۰٫۸	۰٫۸
سیستان و بلوچستان	۱۷۲۲۵۷۹	۲۴۰۵۷۴۲	۳٫۴۰	۴۵۸۷۰۸۹	۲٫۹	۳٫۴	۴٫۸
فارس	۳۸۱۷۰۳۶	۴۳۳۶۸۷۸	۱٫۲۸	۵۵۳۶۱۷۱	۶٫۴	۶٫۲	۵٫۸
قزوین	۹۶۸۲۵۷	۱۱۴۳۲۰۰	۱٫۶۷	۱۵۷۱۵۰۸	۱٫۶	۱٫۶	۱٫۶
قم	۸۵۳۰۴۴	۱۰۴۶۷۳۷	۲٫۰۷	۱۵۵۰۳۲۴	۱٫۴	۱٫۵	۱٫۶
کردستان	۱۳۴۶۳۸۳	۱۴۴۰۱۵۶	۰٫۶۸	۱۶۳۷۴۰۰	۲٫۲	۲٫۰	۱٫۷
کرمان	۲۰۰۴۳۲۸	۲۶۵۲۴۱۳	۲٫۸۴	۴۵۵۰۷۹۷	۳٫۳	۳٫۸	۴٫۷
کرمانشاه	۱۷۷۸۵۹۶	۱۸۷۹۳۸۵	۰٫۵۵	۲۰۸۷۴۹۰	۳٫۰	۲٫۷	۲٫۲
کهگیلویه و بویراحمد	۵۴۴۳۵۶	۶۳۴۲۹۹	۱٫۵۴	۸۵۰۰۵۰٫۴	۰٫۹	۰٫۹	۰٫۹
گلستان	۱۴۲۶۲۸۸	۱۶۱۷۰۸۷	۱٫۲۶	۲۰۵۵۸۲۵	۲٫۴	۲٫۳	۲٫۱
گیلان	۲۲۴۱۸۹۶	۲۴۰۴۸۶۱	۰٫۷۰	۲۷۴۹۱۲۹	۳٫۷	۳٫۴	۲٫۹
لرستان	۱۵۸۴۴۳۴	۱۷۱۶۵۲۷	۰٫۸۰	۱۹۹۹۸۲۱	۲٫۶	۲٫۴	۲٫۱
مازندران	۲۶۰۲۰۰۸	۲۹۲۲۴۳۲	۱٫۱۷	۳۴۴۸۶۴۰	۴٫۳	۴٫۱	۳٫۸
مرکزی	۱۲۲۸۸۱۲	۱۳۵۱۲۵۷	۰٫۹۵	۱۶۱۹۹۱۱	۲٫۰	۱٫۹	۱٫۷
هرمزگان	۱۰۶۲۱۵۵	۱۴۰۳۶۷۴	۲٫۸۳	۲۴۰۱۸۸۴	۱٫۸	۲٫۰	۲٫۵
همدان	۱۶۷۷۹۵۷	۱۷۰۳۲۶۷	۰٫۱۵	۱۷۵۲۴۵۰	۲٫۸	۲٫۴	۱٫۸
یزد	۸۱۰۴۰۱	۹۹۰۸۱۸	۲٫۰۳	۱۴۵۷۲۳۸	۱٫۳	۱٫۴	۱٫۵

ماخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۷۵ و ۸۵

جدول شماره (۲) وضعیت توزیع جمعیت شهری و نسبت آن در طی سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۴۰۴

استانها	جمعیت			نسبت		
	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۴۰۴*	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۴۰۴
کل کشور	۳۶۸۱۷۷۸۹	۴۸۲۵۹۹۶۴	۷۵۸۵۳۳۸۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۲۰۰۴۴۸۴	۲۴۰۲۵۳۹	۳۱۹۴۸۰۵	۵۰	۵۰	۴۲
آذربایجان غربی	۱۳۱۵۱۶۱	۱۷۲۴۹۵۴	۲۶۲۰۰۶۸	۳۶	۳۶	۳۶
اردبیل	۵۶۸۴۴۸	۷۱۵۵۹۷	۱۰۴۶۴۰۶	۱۵	۱۵	۱۴
اصفهان	۲۹۱۴۸۷۴	۳۷۹۸۷۲۸	۵۷۶۹۹۶۷	۷۹	۷۹	۷۸
ایلام	۲۵۹۶۸۷	۳۳۱۲۳۱	۴۹۳۶۴۵	۷	۷	۰۷
بوشهر	۳۹۴۴۸۹	۵۷۷۴۶۵	۱۰۰۱۸۹۴	۱۰	۱۰	۱۵
تهران	۸۹۱۲۳۳۱	۱۲۲۶۰۴۳۱	۲۰۸۷۱۳۴۴	۲۴	۲۴	۲۷
چهارمحال و بختیاری	۳۴۲۹۰۵	۴۴۲۲۹۸	۶۸۷۰۲	۹	۹	۰۹
خراسان جنوبی	۲۰۹۸۹۲	۳۲۶۶۹۵	۶۱۱۵۶۹	۶	۶	۰۹
خراسان رضوی	۲۸۸۳۵۶۳	۳۸۱۱۹۰۰	۵۹۰۱۰۳۵	۷۸	۷۸	۸۰
خراسان شمالی	۳۰۲۷۶۰	۳۹۲۴۵۸	۵۹۶۱۱۳	۸	۸	۰۸
خوزستان	۲۳۴۲۵۱۴	۲۸۷۳۵۶۴	۴۱۲۲۸۸۵	۶۴	۶۴	۵۲
زنجان	۴۲۹۰۱۳	۵۵۹۳۴۰	۸۱۹۴۷۰	۱۲	۱۲	۱۰
سمنان	۳۴۲۴۵۵	۴۴۰۵۵۹	۶۸۲۰۱۰	۹	۹	۰۹
سیستان و بلوچستان	۷۹۴۵۲۸	۱۱۹۳۱۹۸	۲۳۲۰۱۶۲	۲۲	۲۲	۳۲
فارس	۲۱۶۳۱۱۹	۲۶۵۲۹۴۷	۳۸۷۹۳۶۴	۵۹	۵۹	۴۸
قزوین	۵۵۲۹۲۸	۷۷۷۹۷۵	۱۲۸۷۱۶۱	۱۵	۱۵	۱۹
قم	۷۷۷۶۷۷	۹۸۳۰۹۴	۱۴۹۳۲۴۲	۲۰	۲۰	۱۹
کردستان	۷۰۵۷۱۵	۸۵۵۸۱۹	۱۲۰۴۷۸۸	۹	۹	۱۵
کرمان	۱۰۶۰۰۷۵	۱۵۵۲۵۱۹	۲۹۰۶۲۹۴	۲۹	۲۹	۴۰
کرمانشاه	۱۰۹۸۲۸۲	۱۲۵۵۳۱۹	۱۶۲۰۹۵۴	۳۰	۳۰	۲۰
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱۳۵۶۳	۳۰۲۱۹۲	۵۲۴۲۹۹	۶	۶	۰۷
گلستان	۵۸۸۹۸۵	۷۹۵۱۲۶	۱۲۷۸۵۷۴	۱۶	۱۶	۱۷
گیلان	۱۰۴۹۹۸۰	۱۲۹۵۷۵۱	۱۸۵۹۰۹۶	۲۹	۲۹	۲۴
لرستان	۸۵۰۰۱۶	۱۰۲۰۱۵۰	۱۳۸۲۵۷۸	۲۳	۲۳	۱۸
مازندران	۱۱۹۴۲۳۳	۱۵۵۴۱۴۳	۲۳۶۰۶۲۰	۳۲	۳۲	۳۲
مرکزی	۷۰۱۵۴۷	۹۳۲۰۷۳	۱۴۷۰۵۷۹	۱۹	۱۹	۲۰
هرمزگان	۴۴۳۹۷۰	۶۶۱۳۲۵	۱۲۸۵۹۴۰	۱۲	۱۲	۱۸
همدان	۸۱۰۶۴۰	۹۸۰۷۷۱	۱۳۰۴۱۹۲	۲۲	۲۲	۱۷
یزد	۵۸۹۹۵۵	۷۸۹۸۰۳	۱۲۸۲۱۳۷	۱۶	۱۶	۱۷

ماخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۷۵ و ۸۵ *

- جمعیت بر اساس نرخ رشد ۷۵-۸۵

این مطلب بیانگر آن است که جمعیت شهری به صورت بسیار ناهمگون توزیع خواهد شد. هرچند سهم استان تهران از جمعیت شهری کشور کم می شود ولی جمعیت شهری این استان حدود ۲۷ برابر استان بوشهر است. پیش بینی می شود در سال ۱۴۰۴ سطح شهرها (مساحت مناطق شهری) حدود ۳ برابر وضع موجود افزایش خواهد یافت. در آن صورت بسیاری از زمینهای کشاورزی اطراف شهرها به زیر فعالیتهای شهری و ساخت و ساز خواهد رفت. با توجه به متوسط میزان تراکم در شهر تهران افزایش حداقل ۴ میلیون نفر در ۲۰ سال آینده در شهر تهران، حداقل به ۲۵۰ هزار هکتار زمین نیاز خواهد داشت. خوش بینانه ترین حالت ممکن آن است که میزان تراکم در بافت فعلی افزایش یابد، در این صورت هم حداقل یکصد هزار هکتار زمین مورد نیاز خواهد بود. بعلاوه افزایش جمعیت نیاز به تأمین زیرساختهای شهری، تأمین آب شرب و سایر نیازهای شهری خواهد داشت. با توجه به وضع موجود بسیاری از شهرهای بزرگ کشور با مشکل آب شرب روبرو هستند. اختصاص ذخیره آب سدهای بزرگ برای مصارف شرب شهری، ایجاد سدهای جدید ذخیره آب، محروم شدن زمینهای کشاورزی اطراف از آب برای آبیاری از عمده ترین مشکلات و معایب خواهد بود. شهرنشینی شتابان در کشور بعلاوه منجر به عدم تناسب توزیع جغرافیایی جمعیت نیز شده است. در حالیکه حدود ۱۰۰۰ نقطه شهری، حدود ۴۷ میلیون جمعیت را در خود جای داده، حدود ۶۵ هزار آبادی فقط ۲۲ میلیون نفر را در بر دارد. افزایش جمعیت شهری و بهم خوردن تعادل جمعیتی تنها معلول تفاوت زاد و ولد و مرگ و میر نبوده، بلکه جابجایی نیروی انسانی از عمده ترین دلایل آن است. دلیل این ادعا آن است که حدود نیمی از جمعیت تهران در خارج از این شهر متولد شده اند. جابجایی جمعیت خود جابجایی سرمایه را نیز بدنبال دارد. بعلاوه افراد مهاجر معمولاً از طبقات سنی خاصی هستند. این موضوع باعث بهم خوردن ساختار سنی و ساختار جنسی جمعیت خواهد شد. بعلاوه مناطق مهاجرفرست نیروی کار خود را از دست داده و برعکس باعث بروز شغل‌های کاذب، زاغه نشینی و ... در مناطق مهاجرپذیر خواهد شد. پیامد دیگر گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت کشور تغییرات شدید کاربری اراضی است. بر اساس اطلاعات موجود در طی ۳۰ سال مساحت شهرهای کشور بیش از ۴ برابر توسعه پیدا کرده است. (فصلنامه اندیشه، ۱۳۷۲، ۸۸) بنابراین با گسترش مساحت شهرها بسیاری از زمینهای مرغوب حاشیه شهرها به زیر ساخت و سازهای شهری رفته و از روند تولید خارج می شوند. توزیع نامتناسب جمعیت در عرصه سرزمین منجر به شکل گیری تمرکزهای جمعیتی در برخی از مناطق شهری خواهد شد. برهم خوردن توازنهای جمعیتی که مهمترین پیامد آن شکل گیری مهاجرتهای درون و برون شهری است می تواند در نحوه برخورداری از امکانات و خدمات اثر گذاشته و منجر به گسترش ناعدالتی شهری

و منطقه ای شود. در حالی که همه تلاش برنامه ریزان در جهت ایجاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و اقتصادی است. (وارثی، ۱۳۸۶، ۹۱)

در زمینه جمعیت روستایی

نرخ رشد دهه (۷۵-۸۵) نشان می دهد جمعیت روستایی استانهای مختلف دچار تحولاتی خواهد شد. در سالهای آتی سهم جمعیت روستایی استان تهران افزایش خواهد یافت. این امر به علت استقرار جمعیت مهاجر در روستاهای اطراف کلان شهر تهران است. همانطوریکه در گذشته نیز اتفاق افتاده، جمعیت روستایی کشور همچنان در آینده با کاهش سهم خود از جمعیت کل کشور مواجه خواهد بود. حرکات جمعیت روستایی نیز از روستاهای کوچک به روستاهای بزرگ و بصورت پله ای ادامه خواهد یافت. استقرار جمعیت روستایی نیز در مکانهایی خواهد بود که دسترسی به امکانات و خدمات آسانتر باشد. هرچند امکانات طبیعی، تحولات اقتصادی، قابلیتها و محدودیتهای منطقه ای، برخورداری از امکانات از مهمترین عوامل جابجایی جمعیت خواهد بود ولیکن وجود نابرابریهای فضایی در کشور حرکات جمعیتی را تشدید خواهد کرد. (باسوری، ۱۳۸۶، ۱۸)

از نظر توزیع نسبی جمعیت روستایی، برخی از استانها در ۲۰ سال آینده سهم خود از جمعیت روستایی کشور را از دست می دهند. استقرار جمعیت در نواحی مختلف کشور به سوی عدم تعادل پیش خواهد رفت. این جریانات در حالی صورت می گیرد که جهت گیری اصلی نظریه پایه توسعه ملی مبتنی بر توزیع متناسب جمعیت و فعالیت و جلوگیری از تخریب منابع پایه توسعه است. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، ۷۰) اغلب جمعیت کشور در افق ۱۴۰۴ شهرنشین خواهند بود و مناطق روستایی سهم زیادی از جمعیت خود را از دست خواهند داد. با توجه به روند بهره برداری از منابع پایه تولید در کشور، عدم امکان رقابت اقتصاد روستایی با سایر بخشها، ضعف بنیادهای اقتصادی و عدم سرمایه گذاری کافی در آن، به نظر می رسد مناطق روستایی کشور توان جذب و نگهداشت جمعیت بیشتری را نداشته باشد. از طرف دیگر جمعیت روستایی در اغلب مناطق کشور در جاهایی متمرکز شده اند که دارای منابع آب بوده و کاملاً با چگونگی توزیع منابع آب در انطباق می باشد (سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۷۷، ۱۱)

جدول شماره (۳) وضعیت جمعیت روستایی و نسبت آن در طی سالهای ۷۵، ۸۵ و ۱۴۰۴

استانها	جمعیت (نفر) ^۱			نسبت به کل (سال به درصد)		
	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۵	سال ۱۴۰۴*	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۵	سال ۱۴۰۴
کل کشور	۲۳۲۳۷۶۹۹	۲۲۲۳۵۸۱۸	۲۱۲۶۲۰۱۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۱۳۲۱۰۵۶	۱۲۰۰۹۱۷	۱۰۵۱۷۰۸	۵.۷	۵.۴	۴.۹
آذربایجان غربی	۱۱۸۱۱۵۹	۱۱۴۸۵۰۵	۱۰۸۹۰۱۰	۵.۱	۵.۲	۵.۱
اردبیل	۵۹۹۵۶۳	۵۱۲۵۵۸	۳۹۶۵۴۷	۲.۶	۲.۳	۱.۹
اصفهان	۱۰۰۸۳۸۱	۷۶۰۵۲۸	۵۰۰۶۰۸	۴.۳	۳.۴	۲.۴
ایلام	۲۲۸۱۹۹	۲۱۴۵۵۶	۱۹۰۹۱۰	۱.۰	۱.۰	۰.۹
بوشهر	۳۴۹۱۸۶	۳۰۸۸۰۲	۲۴۴۸۴۱	۱.۵	۱.۴	۱.۲
تهران	۱۴۳۱۶۳۴	۱۱۶۱۹۳۵	۷۸۴۷۵۰	۶.۲	۵.۲	۳.۷
چهارمحال و بختیاری	۴۱۸۲۶۳	۴۱۵۶۱۲	۴۱۰۶۲۳	۱.۸	۱.۹	۱.۹
خراسان جنوبی	۳۲۵۶۷۵	۳۰۹۷۲۵	۲۸۱۶۰۸	۱.۴	۱.۴	۱.۳
خراسان رضوی	۱۸۳۶۳۳۹	۱۷۸۱۱۷۹	۱۶۸۱۰۴۷	۷.۹	۸.۰	۷.۹
خراسان شمالی	۴۲۹۸۰۰	۴۱۹۱۱۴	۳۹۹۵۶۱	۱.۸	۱.۹	۱.۹
خوزستان	۱۴۰۴۲۵۸	۱۴۰۱۴۱۵	۱۳۹۶۰۳۰	۶.۰	۶.۳	۶.۶
زنجان	۴۷۱۸۷۷	۴۰۵۲۶۱	۳۰۴۱۶۳	۲.۰	۱.۸	۱.۴
سمنان	۱۵۸۹۹۲	۱۴۹۱۸۳	۱۳۲۲۳۳	۰.۷	۰.۷	۰.۶
سیستان و بلوچستان	۹۲۸۰۵۱	۱۲۱۲۵۴۴	۱۵۷۵۰۶۳	۴.۰	۵.۵	۷.۴
فارس	۱۶۵۳۹۱۷	۱۶۸۳۹۳۱	۱۷۴۲۵۲۰	۷.۱	۷.۶	۸.۲
قزوین	۴۱۵۳۲۹	۳۶۵۲۲۵	۲۸۶۵۲۳	۱.۸	۱.۶	۱.۳
قم	۷۵۳۶۷	۶۳۶۴۳	۴۶۲۸۱	۰.۳	۰.۳	۰.۲
کردستان	۶۴۰۶۶۸	۵۸۴۳۳۷	۴۹۰۹۸۶	۲.۸	۲.۶	۲.۳
کرمان	۹۴۴۲۵۳	۱۰۹۹۸۹۴	۱۴۷۳۰۴۱	۴.۱	۴.۹	۶.۹
کرمانشاه	۶۸۰۳۱۴	۶۲۴۰۶۶	۵۳۰۰۶۲	۲.۹	۲.۸	۲.۵
کهگیلویه و بویراحمد	۳۳۰۷۹۳	۳۳۲۱۰۷	۳۳۴۶۱۸	۱.۴	۱.۵	۱.۶
گلستان	۸۳۷۳۰۳	۸۲۱۹۶۱	۷۹۳۶۰۷	۳.۶	۳.۷	۳.۷
گیلان	۱۱۹۱۹۱۶	۱۱۰۹۱۱۰	۹۶۷۷۷۲	۵.۱	۵.۰	۴.۶
لرستان	۷۳۴۴۱۸	۶۹۶۳۷۷	۶۲۹۶۱۲	۳.۲	۳.۱	۳.۰
مازندران	۱۴۰۷۷۷۵	۱۳۶۸۲۸۹	۱۲۹۶۳۹۱	۶.۱	۶.۲	۶.۱
مرکزی	۵۲۷۲۶۵	۴۱۹۱۸۴	۲۹۱۴۳۹	۲.۳	۱.۹	۱.۴
هرمزگان	۶۱۸۱۸۵	۷۴۲۳۴۹	۱۰۵۴۴۵۸	۲.۷	۳.۳	۵.۰
همدان	۸۶۷۳۱۷	۷۲۲۴۹۶	۵۴۹۶۷۲	۳.۷	۳.۲	۲.۶
یزد	۲۲۰۴۴۶	۲۰۱۰۱۵	۱۹۴۲۲۹	۰.۹	۰.۹	۰.۹

ماخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۷۵ و ۸۵

ویژگی‌های راهبردی جمعیت ایران طی سالهای آینده

بر مبنای آنچه که مورد تبیین قرار گرفت، تغییراتی به شرح زیر در جمعیت کشور احتمالاً به وجود خواهد آمد:

- ۱- کاهش ضریب جوانی جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کل)
 - ۲- کاهش نرخ وابستگی یا بار تکفل نظری جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال و ۶۵ سال و بیشتر، به جمعیت ۱۵-۶۴ ساله)
 - ۳- کاهش شمار و نسبت جمعیت لازم‌التعلیم در مقاطع آموزشهای ابتدایی و راهنمایی، دبیرستانی و عالی
 - ۴- افزایش شمار و نسبت سالمندان (۶۰ ساله و بیشتر)
 - ۵- تشدید روند شهرنشینی و تشدید روند تمرکزگرایی جمعیت در کلان‌شهرها و قطبهای توسعه برخوردار
- موارد فوق پیامدها و الزامهایی را به دنبال خواهد داشت که مهمترین آنها عبارتند از:
- کاهش نسبی ابعاد مصرفی خانوار ناشی از تقلیل نسبی اطفال، کودکان و نوجوانان
 - افزوده شدن بر توان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناشی از کاهش نرخ وابستگی
 - لزوم ایجاد تغییرات ساختاری در آموزش به سود آموزشهای عالی
 - لزوم استفاده بهینه از ظرفیتهای بالقوه تولیدی در جهت بسط و توسعه اشتغال
 - لزوم توجه به تخصیص بهینه و متعادل منابع فیزیکی به منظور نیل به توسعه همگن در مناطق مختلف جغرافیایی
 - لزوم توجه به کاهش نابرابری‌های درآمدی موجود بین اقشار و گروههای مختلف اجتماعی
 - تسریع در آهنگ رشد و تجدید بنای اقتصادی از طریق اتخاذ سازوکارهایی که زمینه‌ساز پویایی نیروهای اجتماعی توسعه و بهبود بازده اجتماعی کارها و فعالیتها شود. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور،)

راهبردهای توزیع جمعیت

عدم تعادل‌های منطقه ای از لحاظ جذب جمعیت و فعالیت باعث حاشیه ای شدن قسمتهایی از سرزمین و اتکای بیشتر توسعه ملی به نفت خواهد شد. رعایت مسائل زیست محیطی و بهره برداری بهینه از منابع طبیعی و ساماندهی نظام اسکان جمعیت که صرفاً در فرایند برنامه ریزی آمایش سرزمین تحقق می یابد، می تواند در توزیع متناسب جمعیت و فعالیت مؤثر باشد. در راستای اهداف طرح آمایش سرزمین راهبردهای زیر برای توزیع جمعیت مطرح می شود:

راهبرد اول: ادامه روند فعلی که شهرنشینی و مهاجرت است. بر اساس این راهبرد

افزایش عدم تعادل‌های منطقه ای، رشد شهرهای بزرگ نظیر تهران، مشهد، اصفهان، افزایش مهاجرت روستائیان و افزایش جابجایی منطقه ای جمعیت و نابرابری شدید در توزیع جمعیت روستایی و شهری روی خواهد داد. بعلاوه این امر اتلاف منابع و ناپایداری محیطی را دربر خواهد داشت. برای رفع این مشکل باید چگونگی ایجاد و استقرار سکونتگاههای شهری و روستایی و بارگذاری فضای جغرافیایی در راستای توان تحمل محیطی شکل گیرد... بنابراین برای ساماندهی روابط شهر و روستا و نیز بین روستاها، هدف نهایی باید در راستای تحقق اهداف توسعه، یعنی ارتقای استانداردهای زندگی، توزیع بهینه درآمد، تغییر ساختاری- مثلاً در توزیع جمعیت، مراحل صنعتی شدن و تمرکززدایی صنعتی- و بالاخره حمایت از تعادل ملی و منطقه ای باشد (Robinson, 1975, 125-126).

راهبرد دوم: کنترل مهاجرت، عدم ترویج شهرگرایی و حفظ جمعیت است. بر اساس این راهبرد تعادل نسبی بین مناطق، کنترل و هدایت مهاجرت، توسعه مناطق عقب مانده تر روی خواهد داد. برای اعمال این راهبرد نیاز به سرمایه گذاری کلان و توسعه زیربناها است. با اتخاذ این راهبردها می توان وضع تعادل و توزیع نامتناسب جغرافیایی جمعیت را تا حدودی سامان داد. هرچند در کوتاه مدت وضع موجود حفظ می شود ولی در دراز مدت جمعیت در پهنه سرزمین پخش خواهد شد و عدم تعادلها چندان زیاد نخواهد بود. در بخشهایی از سیاستها و رهنمودهای کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر استقرار جمعیت و فعالیت در نقاط حساس و نقاط مرزی، تقویت نقش برخی از شهرهای میانی، جلوگیری از رشد شهرهای بزرگ، ایجاد ظرفیتهای جدید صنعتی در مناطق، بهره برداری از امکانات طبیعی به منظور توزیع مناسب جمعیت تأکید شده است.

بنابراین سیاست تثبیت و توزیع جمعیت می تواند در دستور کار قرار گیرد. در این رابطه لازم است مناطق اولویت دار در توسعه از نظر پذیرش جمعیت و فعالیت و نیز نقش نواحی در تقسیم کار ملی و چشم انداز اشتغال و سرمایه گذاری تعیین شود. روند گذشته نشان می دهد که در افزایش جمعیت شهرها علاوه بر رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت، تغییر محدوده شهرها و تبدیل روستاهای بزرگ به نقاط شهری دخالت داشته اند. بنابراین، در انتخاب راهبرد توزیع متناسب جمعیت بایستی به عوامل بروز نابرابریهای فضایی، سرمایه گذاریها، سیاستگذاریها، تحولات اقتصادی و ... توجه شود. تمرکز بسیاری از امکانات و خدمات تخصصی در شهرهای بزرگ در جذب جمعیت بسیار مؤثر بوده است. لذا توزیع بهینه امکانات و خدمات در سطوح سرزمین می تواند در توزیع متناسب جمعیت مؤثر باشد. با توجه به وجود نرخ بیکاری بالاتر در استانهای حاشیه ای حرکات جمعیتی شدید از استانهای با نرخ بیکاری بالاتر در دهه آینده اجتناب ناپذیر است. راهبردهایی که بتواند در جهت حفظ و تثبیت جمعیت و همچنین هدایت مهاجرت های مناطق مؤثر باشد شایان توجه است. عمده راهکارها باید در راستای حفظ و توزیع بهینه جمعیت و اصلاح ساختار سکونتگاهی صورت گیرد (یاسوری، ۲۷، ۱۳۸۵-۲۵).

روند سرمایه گذاریها در دهه گذشته نشان می دهد که برخی از استانهای کشور نظیر استان کرمان، اصفهان، سمنان توانسته اند سهم زیادی از اعتبارات و سرمایه گذاریها را جذب کنند. در این استانها فرصتهای شغلی مناسبتری ایجاد شده و ناپایداری جمعیت استانهای مجاور و حتی دوردست را سبب شده است. لذا جهت گیری صحیح سرمایه گذاری در استانهای کشور و تأکید بر فعالیتهای کاربر به منظور جذب جمعیت بیکار می تواند تا حدودی روند عدم تعادل جمعیتی بین مناطق را کند نماید. در غیر این صورت، رشد انفجاری جمعیت شهری، گسترش نیاز به شهرسازی جدید، گسترش نیاز به خدمات شهری، آلودگی شدید در شهرهای بزرگ، تخریب و آلودگی شدید منابع پایه توسعه (آب و خاک) و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی را شاهد خواهیم بود.

جمع بندی و نتیجه گیری

جمعیت و حرکات جمعیتی تا حدود زیادی ناشی از برخورداری مناطق از انواع امکانات و زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی است. تا زمانیکه وضعیت برخورداری مناطق از امکانات زیربنایی و سرمایه تعدیل نشود، جمعیت همچنان به صورت نامتعادل بین مناطق توزیع خواهند شد. توزیع جمعیت شهری و روستایی نیز که تابعی از وضع اقتصادی روستاها و برخورداری از امکانات است، به صورت نامتعادل بین نقاط شهری و روستایی و به نفع جوامع شهری تحول خواهد یافت.

در سال ۱۴۰۴، تراکم جمعیت در برخی از استانها افزایش می یابد. بدین نحو که تراکم نسبی جمعیت در کشور حدود ۵۶ نفر در کیلومتر مربع بوده ولی استان تهران دارای ۶۸۷ نفر و استان سمنان دارای ۹ نفر در کیلومتر مربع خواهند بود. بعلاوه جمعیت روستایی کاهش یافته و بر جمعیت شهری و آنهم در چند شهر بزرگ کشور بشدت افزوده خواهد شد. این تحولات از طرفی منجر به از بین رفتن زمینهای حاصلخیز حاشیه شهرها و از طرف دیگر موجب جذب سرمایه گذاری دولت در تأمین خدمات عمومی و زیربنایی شهرهای بزرگ خواهد شد. اگر روند فعلی ادامه یابد توزیع فضایی جمعیت و فعالیت بشدت نامتعادل شده و ممکن است پیامدهای اجتماعی و سیاسی ناگوار را به دنبال داشته باشد. بعلاوه منابع پایه توسعه در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته و نسل آینده از منابع ملی محروم خواهند شد. بنابراین لازم است سیاستهای تثبیت جمعیت و توزیع متناسب جمعیت و فعالیت در سطح فضای ملی با جدیت دنبال شود.

منابع:

- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۲، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- جوان، جعفر، ۱۳۶۳، جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- جوان، جعفر، ۱۳۸۰، جغرافیای جمعیت ایران، جهاد دانشگاهی مشهد،
- چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی .
- روزنامه اطلاعات، رشد بی رویه جمعیت و مشکل توزیع نامتناسب آن در سطح کشور، دوم مرداد ۱۳۶۹.
- زنجانی، حبیب اله، ۱۳۷۰، جمعیت و شهر نشینی در ایران، جلد اول، دفتر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ژرژ، پیر، ۱۳۷۱، جغرافیای جمعیت، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۴، مستندات برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تهران، مرکز مدارک و انتشارات.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۰، مطالعات آمایش سرزمین، دفتر آمایش و برنامه ریزی منطقه ای،
- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، تحلیل وضع موجود سازمان فضایی کشور..
- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، سیاستها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹).
- سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۷۷، اطلس ملی جمعیت ایران، تهران، چاپخانه سازمان نقشه برداری کشور.
- سلطانی، محمد علی، ۱۳۷۶، تحلیلی بر توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، شماره نهم.
- طباطبائی، سید مرتضی، ۱۳۶۸، عوارض مهاجرت‌های بی رویه در شهر تهران، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ۱۳۶۸.

- فصلنامه اندیشه، جمعیت ایران، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۷۲.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۵، تهران، مرکز انتشارات.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴، نتایج سرشماری عمومی کشاورزی کشور سال ۱۳۸۲، تهران، مرکز انتشارات.
- وارثی، حمیدرضا و دیگران، ۱۳۸۶، بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مجله جغرافیا و توسعه، سال پنجم، شماره ۹.
- وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۶، گزیده مسائل اقتصادی، اجتماعی، اثرات رشد جمعیت بر عرضه نیروی کار و اشتغال در کشورهای در حال توسعه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، شماره ۶۸ و ۶۹.
- یاسوری، مجید، ۱۳۸۵، بررسی وضعیت تحولات جمعیتی و راهبردهای توسعه روستایی در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۷، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- یاسوری، مجید، ۱۳۸۶، نابرابریهای منطقه ای و اثرات آن بر ناپایداری وحدت ملی، همایش آینده پژوهی ایران ۱۴۰۰، تهران، دانشگاه تهران.
- <http://www.mpo-lr.ir/Barname4.asp>
- Robinson, Warren.c:1975,"Toward socio economic population planning, "population and Development planning, New York